

**Study Reviewing Narrative Time of
Gerard Genette in “Soghubon –
Fessoghel –Asvad” Novel
by Ihsan Abdel –Qudus**

**Saeed Velayati Anaqiz* / Ezzat Mullah
Ibrahim****

**بررسی زمان روایی ژرار ژنت در رمان
«تُغُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» اثر احسان عبد
القدوس**

سعید ولایتی آناقیز* / عزت ملا ابراهیمی**

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۱/۲

پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۵

Abstract

The time element is the most important matter and is one of the integral components of narration. Ihsan – Abd al – Qudus the modern Arabic literature, writer of the novel “soghubon – fessoghel – asvad” bring up an image of African society in ۱۹۶۰ s. This study reviwis with a dsscriptivv analysis method and whit consideration of Gerar ganette theory of narrative time, as the most complete theory of narrative time element in three stages order, duration and frequency, studies the novel of “soghubon – fessoghel –asvad. The results were obtainet from the normal course of his narrative at ۴۱ point with retrospectively, which involves ۱۵/۸۵ of the novel and at ۴۴ point with reference to future that includes Four and thirteen percent of the novel. Continuance in this novel that is ۲۵۹ pages and including calendar time would be ۶۶۵ days, ۲/۵ days evaluat for each page. The average acceleration of the novel is ۱۰/۰۲ days per pages wich indicates a negative rhythm of the text. In the novel was common to function various types of frequency and frequent repeats with frequent storytelling, for instance ۲۳ events at the same time and telling them over and over again is the reason why the novel has been slow.

Key words: Novel, The time element, Abdel - Goddoos. Gerard Genette, Decelration.

چکیده

عنصر زمان عامل سازنده روایت و یکی از اجزای جدایی ناپذیر آن است. احسان عبدالقدوس (۱۹۱۹ – ۱۹۹۰م)، داستان‌پرداز رمانتیسیم در ادبیات نوین عربی، در رمان «تُغُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» تصویری از جامعه آفریقایی را در سال ۱۹۶۰م. ارائه داده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با در نظر گرفتن نظریه زمان روایی ژرار ژنت، در سه مرحله نظم، تداوم و بسامد، به بررسی رمان «تُغُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» پرداخته است. از نتایج پژوهش به دست آمد که ۱۹/۹۸ درصد از رمان با زمان-پرسی نقل شده است. روایت در سیر طبیعی خود، در ۴۱ نقطه با گذشته نگری که ۱۵/۸۵ از رمان را دربر دارد و در ۴۴ نقطه با ارجاع به زمان آینده که شامل ۴/۱۳ درصد از متن است، نقل شده است. تداوم در این رمان که ۲۵۹ صفحه و شامل زمان تقویمی ۶۶۵ روز است، ۲/۵۶۷ روز برای هر صفحه ارزیابی شده است. میانگین شتاب این رمان ۱۰/۰۲ روز برای هر صفحه است که نشانگر ضرباهنگ منفی کل متن است. کارکرد انواع بسامد در این رمان رایج بوده و بسامد مکرر با نقل مکرر ۲۲ رخداد، باعث کند شدن زمان رمان شده است.

کلیدواژه‌ها: رمان، عبد القدوس، زمان روایی، ژرار ژنت، ضرباهنگ منفی.

* فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد رشته زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

saeidvelayati۱۳۹۳@gmail.com

**دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران.

mebrahim@ut.ac.ir

* Graduated with a Master's Degree in Arabic Language and Literature from the University of Tehran (Corresponding Author).

Language and Literature, University of Tehran.

** Associate Professor, Department of Persian

مقدمه

مبحث زمان و تجلی آن در رمان، یکی از مباحث اصلی در زمینه روایت است. تعریف کامل از عنصر زمان کاری بسیار دشوار است. در مطالعاتی که در زمان روایی انجام گرفته است، برای نشان دادن زمان روایی حاکم بر یک اثر داستانی، ملاک‌هایی توسط نظریه‌پردازان ادبی ساخته و پرداخته شده است. بنا به نظر روایت‌شناسان ساختارگرا دو نوع زمان در حیطه رمان وجود دارد:

زمان داستان، مقدار زمانی است که به واسطه رخدادهای روایت‌شده، گرفته می‌شود.

زمان متن، مقدار زمانی است که برای خواندن اثر ادبی مورد نیاز است (قاسمی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۲۶). ژرار ژنت^۱، نظریه‌پرداز فرانسوی، (۱۸۴۰ - ۱۹۸۰)، نظریه خود را در سه مرحله نظم، تداوم و بسامد تنظیم کرده است. این پژوهش در تلاش است تا به بررسی زمان روایی ژرار ژنت در رمان *ثُغُوبٌ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ*، نوشته احسان عبد القدوس^۲ بپردازد.

این رمان شامل یازده بخش بوده و دویست و پنجاه و نه صفحه دارد که از زبان روان‌پزشک - ملموس‌ترین شخصیت رمان - نقل می‌شود. او تصمیم می‌گیرد تا به آفریقا سفر کند. سامح الداعوق به عنوان یک فرد از جامعه سفید پوست،

حدود پنجاه سال پیش نسبت به زمان رمان به آفریقا مهاجرت کرده و در آنجا با زنی سیاه پوست ازدواج می‌کند. حاصل این ازدواج پسری به نام سامی است. مدتی بعد سامح الداعوق با پسر کوچک خود و در بی خبری مادرش به شهر می‌رود. مادرش از مکان آنها با خبر شده و در پنهایی به پیش فرزند خود، سامی، می‌رود و بدون اینکه کسی بفهمد، برایش افسانه‌های سیاه‌پوستان را تعریف می‌کند. چون پدرش از این ماجرا با خبر می‌شود، مانع از این کار او می‌شود. سامی به عنوان یک فرد «ماتیس»^۳ قربانی باورهای غلط جامعه می‌شود که در آن ازدواج یک فرد سیاه-پوست با یک سفیدپوست، عیب به شمار می‌آید. سامح الداعوق حدود ده سال بعد به بیروت سفر کرده و در آنجا با زنی سفیدپوست ازدواج می‌کند که سامیه و سلیم از این زن متولد می‌شوند. «سامیه»، دختر سامح الداعوق، در این رمان به عنوان شخصی است که در ده سالگی در بیروت آوازخوان بوده و با نام مستعار «مطربة افریقا»^۴، شناخته شده بود. او با آرزوی اینکه یک روزی خواننده بزرگی همچون ابن کلثوم شود، بزرگ شده و پیوسته خاطرات آن روزها در ذهن او متبلور می‌شود. بیندا، دختر کاباکا فردی از سیاه-پوستان است. او سرنوشتی مثل آن زن سیاه‌پوست دارد و در پنهانی با سامی که از افراد سفیدپوست

۳. به کودکانی گفته شده است که حاصل ازدواج پدری سفید پوست و مادری سیاه پوست هستند. (عبد القدوس، ۱۹۹۸، ص ۱۲۲)

۴. آوازخوان آفریقا به کسی گفته می‌شود که صدای زیبایی دارد.

۱. Gerard Genette

۲. «احسان عبد القدوس»، (۱۹۱۹-۱۹۹۰م)، از داستان‌پردازان رمانتیسیم در ادبیات نوین عربی، با آثار قصصی خود که بیشتر رخدادهای آن در رابطه با «زن» است، بر گنجینه ادبیات عربی افزوده است». (سیدعلی مفتخرزاده، ۱۳۸۸: ۹).

به شمار می‌آید، ازدواج کرده و به خاطر باور غلط جامعه، جدا از همسر خود زندگی می‌کند.

پیشینه پژوهش

در آثار احسان عبد القدوس پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله پایان‌نامه «بازتاب شخصیت زن در داستان‌های احسان عبد القدوس (أنا حرّة، أين عمري)»، توسط علی مفتخرزاده، در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). در این پایان‌نامه به بررسی شخصیت زن به عنوان یک عنصر سازنده رمان‌های مذکور پرداخته شده است. پایان‌نامه «المنهج النفسي في رواية «لن أعيش في جلباب أبي» لاحسان عبد القدوس» توسط صدیقه عامری، در دانشگاه علامه طباطبایی. در این پژوهش مسائل مهم تمدن مصر را مورد بررسی قرار داده‌اند. در رابطه با ترجمه آثار او، پایان‌نامه «ترجمه کتاب «علی مَقَمی فی الشّارع السّیاسی» توسط محسن عزیزی، در دانشگاه تهران و کتاب «طنین کین» توسط اسماعیل هادی، در دست است.

تاکنون در حوزه بررسی زمان روایی رمان «تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» اثر این نویسنده پژوهشی صورت نگرفته است. در این مقاله افزون بر ارائه مقدمه‌ای نظری از زمان روایی ژرار ژنت، زمان روایی حاکم بر رمان «تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» با به‌کارگیری روش توصیفی-تحلیلی، مورد بررسی قرار داده است.

سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. رمان «تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» در چند نقطه با زمان پرشی نقل شده است و شامل چند درصد از رمان است؟

۲. نویسنده بر وقایع مختلف رمان چه اندازه از متن را اختصاص داده و میانگین شتاب داستان چگونه است؟

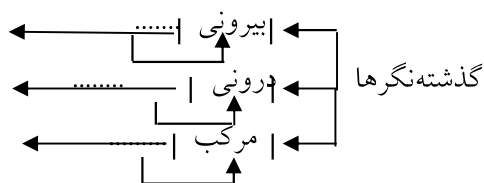
۳. تعداد دفعات نقل رخدادها به چه شکلی انجام شده است؟

بررسی زمان روایی حاکم بر رمان «تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ»، با توجه به قرار گرفتن در حیطه رمان‌های معاصر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

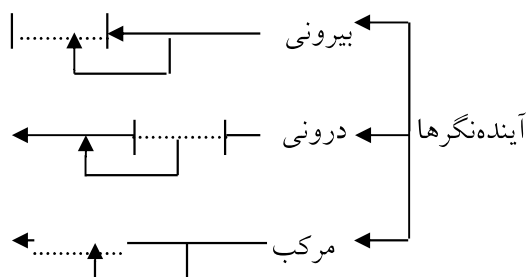
مقوله زمان روایی در نزد ژرار ژنت

نظریه‌پردازان با توجه به ناهم‌خوانی‌هایی که در سیر طبیعی رخدادها در یک متن به وجود می‌آید، به بحث در رابطه با زمان روایی پرداخته‌اند. ژرار ژنت، نظریه‌پرداز فرانسوی، مسئله زمان را در سه مقوله مختلف نظم، تداوم و بسامد، تنظیم می‌کند:

نظم^۱: نویسنده وقایع را با توجه به زمان رخ دادن آنها، در متن نقل می‌کند. در نظر ژرار ژنت «پیوندهای میان ترتیب زمانی توالی رویدادها در داستان و ترتیب شبه زمانی آرایش آنها در روایت» (ژرار ژنت، ۱۳۸۸: ۱۴۴) همان نظم است. به عبارت دیگر، نظم «ترتیب زمانی رخدادهای داستان نسبت به ارائه همین رخدادها در گفتمان روایی است» (لوت، ۱۳۸۸: ۷۲). ژرار ژنت این ترتیب قرار گرفتن وقایع را مورد



۱. آینده‌نگر: این نیز یک نوع زمانپیشی می‌باشد و آن به این صورت است که «از پیش گفته شود که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد» (تودوروف، ۱۳۸۲: ۵۹). آینده‌نگری نیز سه حالت درونی، بیرونی و یا مرکب دارد:



کارکرد نظم در رمان ثُقُوبٌ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ
نویسنده در نظم‌ی که برای نقل وقایع رمان «ثُقُوبٌ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» گاهی رخدادهایی را که در گذشته و بیرون از زمان متن و یا در زمان داخل متن، رخ داده است، بعدها نقل می‌کند. از دیگر سو نویسنده برخی از رخدادهایی را که در آینده به وقوع می‌پیوندد، زودتر از زمان خود در متن می‌آورد. در ادامه مقوله نظم در این رمان با توجه به نظریه ژرار ژنت، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. گذشته‌نگری در رمان ثُقُوبٌ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ
گذشته‌نگری از بازتاب قابل توجهی در رمان ثُقُوبٌ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ برخوردار است. نویسنده در این رمان گاهی با بازگشت به گذشته و ارجاع

بررسی دقیق قرار داده است و «هرگونه درهم ریختگی در ترتیب بیان وقایع و ناهماهنگی در نظم داستان و نظم متن را «زمان پیشی»^۱ می‌داند و آن را به دو نوع کلی «گذشته نگر»^۲ و «آینده نگر»^۳ تقسیم می‌کند» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۶).

گذشته‌نگر: «در گذشته‌نگرها رویدادهایی که در داستان زودتر اتفاق افتاده‌اند، در متن دیرتر از زمان منطقی خود بیان می‌شوند و مهم‌ترین فایده آن، ارائه اطلاعاتی درباره شخصیت‌ها و رویدادهاست که اگر این شخصیت‌ها و وقایع قبلاً به آن اشاره شده باشد، «گذشته‌نگر روایت آمیز» و اگر ذکر نشده باشند، «گذشته‌نگر روایت گریز» نامیده می‌شود» (قاسمی‌پور قدرت، ۱۳۸۷: ۱۳۵). گذشته‌نگرها به سه شکل هستند:

گذشته‌نگر بیرونی: «که زمان داستان در این نوع گذشته‌نگری، خارج و مقدم بر زمان روایت اصلی قرار دارد» (لوت، ۱۳۸۸: ۷۳).

گذشته‌نگر درونی: «که عبارت است از هر گونه رخدادی که پس از نقطه آغازین روایت به وقوع می‌پیوندد و به طور کلی خارج از مکان مقرر، برای اولین بار نقل شده‌اند» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۷).

گذشته‌نگر مرکب: «اگر بازگشت به گذشته همزمان با شروع روایت باشد، آن را گذشته‌نگر مرکب می‌نامند» (قدرت قاسمی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳۵). در ادامه اگر بخواهیم برای روشن‌تر شدن آن طرحی را ارائه کنیم، بدین شکل خواهد بود:

۱. Anachronies
۲. Flashback
۳. Flash forward

دادن به بیرون از زمان متن، اطلاعاتی را درباره شخصیت‌ها و رخدادهای مهم بر متن می‌افزاید و گاه نیز این گذشته‌نگری مربوط به داخل متن است، بدین شکل که در رمان وقایعی رخ می‌دهد که نویسنده آن را دیرتر از زمان مقرر خود و از زبان شخصیت‌ها نقل می‌شود. به همین دلیل کارکرد انواع گذشته‌نگری در این رمان رایج است. در ادامه به روش به‌کارگیری انواع گذشته اشاره خواهد شد.

۱-۲. گذشته‌نگری بیرونی

گذشته‌نگر بیرونی از بازتاب قابل توجهی در این رمان برخوردار است. نویسنده در بازگشت به گذشته و بیرون از زمان متن، گاه اطلاعاتی را از وقایع رمان در اختیار خواننده می‌گذارد و گاهی نیز با این نوع زمان‌پرسی، اطلاعاتی را بر رخدادهایی که نقل کرده است، می‌افزاید. در ادامه به صورت مختصر به آن خواهیم پرداخت.

۱-۱-۲. گذشته‌نگر بیرونی روایت‌گریز

گذشته‌نگر بیرونی روایت‌گریز در رمان «تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» از بازتاب درخور توجهی برخوردار است. نویسنده در نقطه‌های مختلفی از رمان، به گذشته و بیرون از رمان ارجاع می‌دهد. وی با مهارتی کامل توانسته است تا با بازگشت به بیرون از زمان رمان، این اطلاعات را بر متن بیفزاید که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

الف) گفت‌وگو: مهم‌ترین روش نویسنده

برای بیان وقایعی که در بیرون از زمان متن رخ داده‌اند، گفت‌وگو است. گفت‌وگو «بخش مهمی

برای پرداخت و تجسم شخصیت است، به شخصیت جان می‌دهد، به او بعد و جوهر فردیت می‌بخشد» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۸۹). عنصر گفت‌وگو به اشکال زیر پرداخته شده است:

الف-۱) گفت‌وگوی دو نفره: نویسنده با

بهره‌گیری از آن توانسته است در برخی موارد با ارجاع به گذشته و بیرون از رمان، اطلاعاتی را درباره سرگذشت افراد ارائه دهد. می‌توان به گفت‌وگوی بین سامیه و روان‌پزشک اشاره کرد که در آن سامیه خاطراتی را از زندگی در لبنان، ارائه می‌دهد: أَنَا زُرْتُ لِبْنَانَ قَضَيْتُ هُنَاكَ ثَلَاثَةَ شُهُورٍ، كَانُوا يُقِيمُونَ هُنَاكَ مَادَبَ لَائِي، وَ كُنْتُ فِي الْعَاشِرَةِ مِنْ عُمُرِي (عبد القدوس، ۱۹۹۸م: ۴۷)^۱

گفت و گوی سلیم و روان‌پزشک در اشاره به ورشکستگی سامح الداعوق، (عبد القدوس: ۴۵) و نیز در ارائه اطلاعاتی از فرار سامی به روستا (همان: ۷۰) و برخی موارد دیگر، از این قبیل هستند.

الف-۲) تک‌گویی: گاهی نیز گفت‌وگو از

سوی یک شخصیت ارائه می‌شود و در طی آن اطلاعاتی از سرگذشت افراد ارائه می‌شود که در بیرون از زمان متن قرار دارند و در متن به آن اشاره نشده است. می‌توان به تک‌گویی سامی اشاره کرد که در روز اول سفر روان‌پزشک به باماکو که دوست خود را معرفی می‌کند:

إِنَّهُ مُهَاجِرٌ لِبْنَانِيٌّ أَتَدْرِي كَيْفَ جَمَعَ ثَرَوَتَهُ... لَقَدْ جَاءَ أَبُوهُ أَلَى هُنَا مِنْذُ خَمْسِينَ سَنَةً وَأَخَذَ يَبِيعُ التُّرَابَ لِلزُّنُوجِ الْمُسْلِمِينَ عَلَى أَنَّهُ تُرَابُ مَكَّةَ... وَ

۱. ترجمه: من لبنان را دیدم... سه ماه را در آن جا گزرانده‌ام، آنجا برای پدرم جشن‌هایی می‌گرفتند و... من هم ده سال داشتم.

جَمَعَ بِذَلِكَ ثَرَوْهُ وَ بَدَأَ يَتَأَجَّرُ ... (عبد القدوس، ۱۹۹۸م: ۲۰)¹.

می‌توان به تک‌گویی از زبان سامی در معرفی سرگذشت پدرش (همان: ۴۷) و یا اطلاعاتی که از زبان سلیم در ارائه اطلاعاتی از سرگذشت سامی و شیوه رفتار زن سفیدپوست (همان: ۱۱۰) و ... اشاره کرد.

گاهی این تک‌گویی به صورت خاطراتی بر ذهن روان‌پزشک خطور می‌کند که از زبان او، به گذشته و بیرون از رمان ارجاع داده شده و اطلاعاتی را از گذشته خود ارائه می‌کند و مخاطب، خاص، عام، نظیر، مثال، مخاطب

که از زبان روان‌پزشک و چگونگی سپری کردن دو سال قبل از زمان رمان ارائه می‌شود:

كُنْتُ قَدْ قَضَيْتُ عَامَيْنِ أَعْمَلُ خِلَالَهُمَا كُلَّ يَوْمٍ... كُلَّ يَوْمٍ أَغْوَضُ فِي نَفْسِ النَّاسِ بِعَقْلِي وَ أَعْصَابِي لِأَصِلَ إِلَى هَذَا السِّرِّ الَّذِي يُسَيِّطِرُ عَلَى تَصَرُّفَاتِهِمْ (همان: ۹)².

خاطراتی که او در رابطه با نپذیرفتن دعوت دیگران (همان: ۳۳) و نیز اطلاعاتی که از کلاه ستانلی، کاشف آفریقا (همان: ۳۴) ارائه می‌دهد، از این نوع هستند. جدول زیر برای روش‌تر شدن مطلب است:

جدول ۱. گذشته‌نگری بیرونی روایت‌گریز

رخداد	نوع روش	صفحات ذکر شده	تعداد	تعداد صفحات	حجم از ۲۵۹ صفحه
بین روان‌پزشک و سلیم	گفت‌وگوی دو نفره	۴۵، ۷۰، ۱۰۹، ۱۱۵	۴ بار	۱ صفحه و ۸ سطر	۰/۷۶
بین روان‌پزشک و سامیه	گفت‌وگوی دو نفره	۴۷	۱ بار	۴ سطر	۰/۰۷
بین روان‌پزشک و سامی	گفت‌وگوی دو نفره	۹۱، ۹۴	۲ بار	۱ صفحه و ۸ سطر	۰/۷۶
بین روان‌پزشک و بیندا	گفت‌وگوی دو نفره	۱۳۱، ۱۳۵، ۱۷۷	۳ بار	۷ صفحه و ۶ سطر	۲/۸۹
از زبان سامی	تک‌گویی	۲۰، ۴۷	۲ بار	۱ صفحه و ۶ سطر	۰/۵۰
از زبان سلیم	تک‌گویی	۹۸، ۱۱۰	۲ بار	۴ صفحه و ۲ سطر	۱/۶۰
از زبان کاباکا	تک‌گویی	۱۵۸	۱ بار	۸ صفحه و ۱۵ سطر	۳/۳۹
از زبان روان‌پزشک	تک‌گویی	۹، ۳۳، ۳۴	۳ بار	۶ سطر	۰/۱۱

۱. ترجمه: او هم یک مهاجر از لبنان است. می‌دانی چگونه ثروت خود را جمع کرده است؟ پدرش پنجاه سال پیش به اینجا آمد و این خاک را به عنوان خاک مکه به سیاه‌پوستان مسلمان فروخت و بدین شکل ثروتی را جمع کرده و شروع به تجارت کرد ...

۲. دو سال را با کار کردن هر روزه سپری کرده بودم.. هر روز با عقل و اعصاب خودم درگیر می‌شدم تا بر رازی که بر رفتارهای مردم غلبه دارد، دست پیدا کنم.

بنابراین رمان در ۱۴ نقطه از با ارجاع به گذشته و بیرون متن، نقل شده است. گذشته‌نگر بیرونی روایت‌گریز شامل ۲۳ صفحه و ۱۳ سطر است که ۱۰/۰۸ درصد از کل رمان را دربرمی‌گیرد.

۲-۱-۲. گذشته‌نگری بیرون متنی روایت‌آمیز

گاهی در رمان با وجود ارجاع به بیرون از متن، اطلاعاتی از رخدادهایی ارائه می‌شود که در متن به آن اشاره شده است. این رخدادها قبلاً با نوعی پوشیدگی و ابهام بیان شده است. این کار نیز با مهارتی تمام و با برگزیدن روش‌هایی انجام می‌پذیرد که در ادامه به صورت مختصر به آن می‌پردازیم.

الف) گفت‌وگوی دو نفره: گاهی گفت‌وگوهایی که بین شخصیت‌ها رد و بدل می‌شود، یک مخاطب خاصی در نظر گرفته شده است که می‌توان به گفت‌وگویی که بین روان‌پزشک و سامیه ارائه می‌شود، اشاره کرد:

روان‌پزشک: لَقَدْ قَالَ لِي أَنْتَ تَجْدِينِ الْغَنَا وَ أَنْتَ سَبَقَ أَنْ غَنَيْتِ أَمَامَ الْجُمْهُورِ فِي بَيْرُوتَ ...
سامیه: كَانَ ذَلِكَ زَمَانًا وَ أَنَا طِفْلَةٌ^۱ (عبد القدوس، ۱۹۹۸م: ۲۳۵).

گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سلیم در دادن اطلاعاتی در مورد مسافرت پدرش (همان: ۱۱۳)، گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سامی در رابطه با زن سیاه‌پوستی که در کودکی به پیش او می‌آمد (همان: ۲۰۸) و یا گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سامیه در رابطه با زندگی در بیروت (همان: ۸۰)، از این نوع هستند.

ب) تک‌گویی: گاهی نیز این خاطرات تنها از زبان یک فرد صورت می‌پذیرد. می‌توان به ارائه اطلاعاتی که از زبان سامیه در رابطه با اقامت خودشان در بیروت ارائه می‌شود، اشاره کرد که اطلاعاتی را بر خاطرات خود که قبلاً نقل کرد، می‌افزاید:

لَقَدْ كُنَّا نَقِيمُ فِي عَالِيَةٍ ... فَوْقَ بَيْرُوتَ ... كُنَّا نَقِيمُ فِي قَصْرِ كَبِيرٍ.. وَ فِي كُلِّ يَوْمٍ كُنَّا نَنْزِلُ إِلَى بَيْرُوتَ^۲ (همان: ۷۹).

می‌توان به خاطراتی که از زبان سامیه در رابطه با برگزاری جشن‌هایی که برای او در بیروت بر پا می‌شد نیز اشاره کرد که اطلاعاتی را بر زندگی خود در بیروت می‌افزاید و در صفحه ۱۸۸ از رمان نقل می‌شود. در ادامه اگر بخواهیم جدولی را از گذشته‌نگر بیرونی روایت‌آمیز ارائه کنیم، به صورت زیر خواهد بود:

۱. به من گفت که تو آواز خواندن را خوب بلد هستی و قبلاً در بیروت و در بین همه آواز خوانده‌ای. بله ان یک زمانی بود و من هنوز بچه بودم.

۲. ترجمه: ما در یه جای بلند زندگی می‌کردیم، بالای بیروت ... در یک قصر بزرگ ... و هر روز به بیروت می‌آمدیم.

جدول ۲. گذشته‌نگر بیرون متنی روایت‌آمیز

رخداد	روش	صفحات	تعداد	حجم	تداوم
روان‌پزشک و سامی	گفت‌وگوی دو نفر	۲۰۸	۱ بار	۱۲ سطر	۰/۲۲
روان‌پزشک و سلیم	گفت‌وگوی دو نفر	۱۱۳	۱ بار	۶ سطر	۰/۱۱
روان‌پزشک و سامیه	گفت‌وگوی دو نفر	۷۹، ۸۰، ۲۳۵	۳ بار	۱۹ سطر	۰/۳۵
سامیه	تک‌گویی	۱۸۸	۱ بار	۵ سطر	۰/۰۹

می‌توانست رخ دهد، اما هنوز نقل نشده است، به وجود می‌آید که نویسنده بعدها با ارجاع درون متنی آن را بازگو می‌کند. در ادامه به روش‌هایی که نویسنده در ارائه این نوع گذشته‌نگری به کار گرفته، اشاره خواهد شد.

گفت‌وگوی دو نفر: گاهی گفت‌وگویی بین دو شخصیت رد و بدل می‌شود که نویسنده از طریق آن و از زبان شخصیت‌ها، به گذشته و داخل متن و ارجاع داده و رخدادهایی را که در گذشته و درون متن به وقوع پیوسته است، در لابه‌لای گفت‌وگو بیان می‌کند. از آن جمله گفت-وگویی که بین روان‌پزشک و سلیم است:

سلیم: يَا دَكْتُور سَامِي لَمْ يَعُدْ اِلَى الْبَيْتِ مُنْذُ لَيْلَةٍ اَمْسٍ...

روان‌پزشک: هَلْ سَأَلْتَ عَنْهُ فِي الْقَرْيَةِ؟
 سلیم: سَأَلْتُ أَنَّهُ لَمْ يَذْهَبْ اِلَى هُنَاكَ (همان: ۲۱۷).

در این راستا می‌توان به گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و کاباکا که از فرستادن افرادی به دنبال سامی و بیندا (عبد القدوس: ۲۴۰) خبر

بنابراین نویسنده در ۶ نقطه از رمان به گذشته و بیرون از رمان ارجاع داده است که در این قسمت، اطلاعاتی که او در رابطه با رخدادها و وقایع ارائه می‌دهد، شامل رخدادها و شخصیت‌هایی است که در متن به آن اشاره شده است. گذشته‌نگر بیرونی روایت‌آمیز شامل ۲ صفحه و ۰/۷۷ از کل رمان است.

۲-۲. گذشته‌نگر درونی

گاهی با ارجاع به گذشته، وقایعی را که در زمان متن به وقوع پیوسته است، ارائه می‌شود. نویسنده این کار را با هنری خاص انجام می‌دهد. در این رمان وقایعی به وقوع می‌پیوندد که گاه اصلاً به آن اشاره نشده است و به صورت پوشیده مانده است. گاهی نیز اشاره‌هایی به آن شده است اما اطلاعات کافی برای تکمیل آن وجود ندارد.

۲-۲-۱. گذشته‌نگر درونی روایت‌گرایز

در رمان رخدادهایی وجود دارد که نویسنده آن را در زمان خود بیان نمی‌کند و بعدها آن را با ارجاع به درون متن نقل می‌کند. این کار با مهارتی کامل صورت می‌پذیرد؛ به‌طوری که در ذهن خواننده سؤالاتی در رابطه با برخی از رخدادهایی که

۱. دکتر! سلیم هنوز بر نگشته. آیا در روستا ازش خبر گرفتی؟
 پرسیدم به اوجا هم نرفته.

یکی از شخصیت‌های رمان به بیان احساسات و افکار خود در رابطه با وقایع می‌پردازد:

و تَذَكَّرْتُ أَنَّ سَامِي قَالَ أَنَّ الْمُسْتَعْمِرِينَ الْبَيْضَ
أَقَامُوا عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ بِلَاجًا... مُخَصَّصًا لَهُمْ^۲
(همان: ۳۶).

می‌توان به خاطراتی که از سفر خود به خانه سامی در ذهن روان‌پزشک متبلور می‌شود (همان: ۸۶) و یا خاطراتی که از قبل بازگشت روان‌پزشک و در رابطه با سپردن به سلیم در رابطه با نامه (همان: ۲۵۰) اشاره کرد. در ادامه اگر بخواهیم جدولی را برای روشن‌تر شدن آن ارائه کنیم به شکل زیر خواهد بود:

جدول ۳. گذشته‌نگر درونی روایت‌گرایز

رخداد	روش	صفحات	تعداد	حجم	تداوم
بین روان‌پزشک و سلیم	دوگویی	۲۱۷، ۲۴۳	۲ بار	۲۰ سطر	۰/۳۷
بین روان‌پزشک و کاباکا	دوگویی	۲۴۰	۱ بار	۳ سطر	۰/۰۵۵
بین روان‌پزشک و سامی	دوگویی	۲۵۵، ۲۶۳	۲ بار	۲ صفحه و ۱۸ سطر	۱/۱۱
سامی	تک‌گویی	۲۵۹	۱ بار	۳ صفحه و ۸ سطر	۱/۳۱
روان‌پزشک	تک‌گویی	۲۵۰، ۸۶، ۳۶	۳ بار	۸ سطر	۰/۱۵

می‌دهد و یا گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سلیم در رابطه با شفا یافتن سامیه (همان: ۲۴۳) و برخی موارد دیگر اشاره کرد.

تک‌گویی: گاهی نیز با تک‌گویی به این رخدادها اشاره می‌شود. این تک‌گویی گاهی مخاطب دارد. مثلاً اطلاعاتی که سامی از دیدار با مادرش بعد از آمدن بازگشت خود ارائه می‌کند که مخاطب او روان‌شناس است: صَحَوْتُ ذَاتَ صَبَاحٍ وَ أَنَا لَا أَطِيقُ الْإِنْتِظَارَ حَتَّى أَرَى أُمِّي وَ أَخَذْتُ بِيْنَدًا وَ ذَهَبْنَا إِلَى الْقَرْيَةِ^۱ (۲۵۹).

گاهی نیز این تک‌گویی به صورتی انجام می‌شود که مخاطب خاصی ندارد؛ به طوری که

گذشته‌نگری درونی روایت‌گرایز شامل ۷ صفحه و ۱۵ سطر است که ۲/۹۹ درصد از کل رمان را شامل می‌شود.

با توجه به جدول بالا به این نتیجه می‌رسیم که نویسنده در ۹ نقطه از رمان به گذشته و درون متن ارجاع می‌دهد. هدف او ارائه اطلاعاتی از وقایعی است که هنوز در متن به آن اشاره نشده است.

۲. ترجمه: به یاد آوردم که سامی به من گفت استعمارگران سفیدپوست در اینجا بلای‌هایی را بنا کرده‌اند که مخصوص خودشان است.

۱. ترجمه: یک روز صبح از خواب بیدار شدم و دیگر تحمل انتظار کشیدن را نداشتم و بیدار را با خود برداشتم و به روستا رفتم.

گذشته‌نگر درونی روایت‌آمیز: در رمان ثُقُوب

فِي السُّوقِ الْأَسْوَدِ برخی از رخدادها در داخل متن و در زمان معین به وقوع پیوسته است. این رخدادها در موقع مناسب خود نقل شده است، اما با این وجود نوعی پوشیدگی و ابهام در آنها وجود دارد. نویسنده بعدها با بازگشت به زمان آن رخدادها، اطلاعاتی را بر آن می‌افزاید و هرگونه ابهام را می‌زداید. در ادامه به چگونگی کارکرد گذشته‌نگر درونی روایت‌آمیز اشاره خواهد شد.

گفت‌وگوی دو نفره: گاهی در پی گفت-

وگوهای که بین شخصیت‌ها به وقوع می‌پیوندد، نویسنده از زبان شخصیت‌ها، رخدادهایی را که در رمان رخ داده است، به یاد می‌آورد و اطلاعاتی را بر آن می‌افزاید. در این راه می‌توان به گفت‌وگوی بین سامی و روان‌پزشک اشاره کرد که در آن اطلاعاتی را بر گردش روان‌پزشک در شهر می‌افزاید.

سامی: اَيْنَ كُنْتَ يَا دَكْتُورُ؟

روان‌پزشک: سِرْتُ حَتَّى الْكُوْبَرَى ... خِفْتُ

أَنْ أُنْحَرِفَ عَنِ الطَّرِيقِ الَّتِي أَعْرِفُهَا فَاتَّوَهْ^۱ (۴۲).

جدول ۴. گذشته‌نگر درونی روایت‌آمیز

گفت‌وگو	نوع	صفحات	تعداد	حجم	تداوم
بین روان‌پزشک و سامی	دو گویی	۴۲، ۸۷، ۸۹، ۲۵۵، ۲۵۹	۴ بار	۱ صفحه و ۸ سطر	۰/۷۶
بین روان‌پزشک و سلیم	دوگویی	۱۰۹، ۲۱۹، ۲۲۲	۳ بار	۱۴ سطر	۰/۲۶
از زبان روان‌پزشک	تک گویی	۱۴۶، ۱۵۱، ۱۸۵	۳ بار	۱۰ سطر	۰/۱۸
از زبان بیندا	تک گویی	۲۱۳	۱ بار	۸ سطر	۰/۱۵
از زبان سامی	تک گویی	۲۵۷	۱ بار	۱ صفحه و ۱۵ سطر	۰/۶۶

گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سلیم در رابطه با مادر سفیدپوست و نیز اشاره به وعده کاباکا، ارائه اطلاعاتی از چگونگی برخورد با سامیه توسط سلیم (همان: ۸۷، ۸۹، ۱۰۹، ۱۵۱، ۲۱۹، ۲۲۲) نقل می‌شود و برخی گفت‌وگوها هم از نوع گفت‌وگوی دو طرفه است.

تک‌گویی: گاهی نیز با تک‌گویی اطلاعاتی

از گذشته و داخل متن ارائه می‌شود که در رمان به آن اشاره شده است. تک‌گویی که از زبان روان‌پزشک نقل می‌شود، از این نوع است:

قَالَ لِي الْبَوَّابُ أَنَّ سَامِيَةَ مَرَّتْ عَلَيَّ فِي الصَّبَاحِ
وَلَمْ تَجِدْنِي... وَ إِنْتَظَرْنِي طَوِيلًا ثُمَّ إِنْصَرَفَتْ^۲...
(همان: ۱۴۶).

این تک‌گویی از زبان روان‌پزشک در رابطه با آمدن سامی به هتل (همان: ۱۴۹) و از زبان بیندا در ارائه اطلاعاتی از آن شبی که با سامی می‌رقصید (همان: ۲۱۳) و در برخی تک‌گویی‌های دیگر به چشم می‌خورد که جدول زیر نمایانگر آن است:

۲. دربان به من گفت که سامیه صبح بر من گزری کرده است و مرا پیدا نکرده است و مدنی منتظر من مانده و سپس رفته است.

۱. ترجمه: کجا بودی دکتر؟ رفتم به طرف کولوبری و ترسیدم که راهی را که آشنایی داشتم، منحرف شوم و گم بشوم.

بنابراین نویسنده در ۱۲ نقطه از رمان به گذشته و داخل متن ارجاع داده که اطلاعاتی را بر وقایعی که نقل کرده است، می افزاید. گذشته‌نگر درونی روایت‌آمیز شامل ۴ صفحه و ۱۳ سطر معادل ۲/۰۱ از کل رمان را در بر می‌گیرد.

۲. آینده‌نگری

آینده‌نگری نیز از بازتاب قابل توجهی در رمان «تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» برخوردار است. در این رمان نویسنده با مهارتی کامل، به آینده ارجاع داده است که در این قسمت از پژوهش، به صورت مختصر به آن اشاره خواهد شد.

۱-۲. آینده‌نگری درونی

آینده‌نگری درونی از بازتاب قابل توجهی در رمان «تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ» برخوردار است. نویسنده در این رمان در نقطه‌های قابل توجهی از رمان، به آینده ارجاع داده و وقایعی را که هنوز رخ نداده است، با استفاده از روش‌های مناسب، جلوتر از زمان مقرر آنها بیان می‌کند. آینده‌نگری درونی در دو شکل خود و به صورت روایت-گریز و روایت‌آمیز در این رمان به کار رفته است که در ادامه با تقسیم‌بندی رخدادها بر طبق این نظریه، به صورت مختصر به آن می‌پردازیم.

۱-۱-۲. آینده‌نگر روایت‌گریز

نویسنده گاهی به درون متن رمان ارجاع می‌دهد و با استفاده از آینده‌نگری درونی، اطلاعاتی را از وقایعی که در داخل زمان متن به وقوع خواهد افتاد، می‌دهد که این رخدادها قبلاً هیچ‌گونه

اشاراتی بر آن نشده است. در ادامه با اشاره به روش برگزیده شده در رابطه با این زمان‌پرسی، به اختصار توضیح داده می‌شود.

الف) تصمیم: گاهی شخصیت‌های داستان تصمیم‌هایی را می‌گیرند که به وسیله خیال خود، به آینده سفر می‌کنند. مثلاً تصمیمی که روان-پزشک برای گذراندن مرخصی ۴۵ روزه خود در آفریقا می‌گیرد، اشاره کرد.

وَكَانَ أَمَامِي بَعْدَ ذَلِكَ خَمْسَةَ وَ أَرْبَعُونَ يَوْمًا أَقْضِيهَا إِجَازَةً، قَرَرْتُ أَنْ أَقْضِيَ إِجَازَتِي فِي أَوَاسِطِ أَفْرِيقَا^۱ (عبد القدوس: ۹)

می‌توان تصمیم روان‌پزشک برای رفتن به نزد سلیم به منظور پی بردن به جزئیات روانی این دو شخصیت (همان: ۹۷)، تصمیم روان‌پزشک برای حضور در جشن آوازخوانی بیندا (همان: ۲۱۹)، تصمیم روان‌پزشک برای رفتن به قبیله (همان: ۳۳) اشاره کرد.

ب) خبر دادن: گاهی نویسنده از زبان شخصیت‌ها خبر از رخداد آینده می‌دهد. در این زمینه می‌توان به خبری که از زبان سامی در دیدن مناظر زیبا در کنار رودخانه اشاره کرد. سَتَجِدُ عِنْدَ النَّهْرِ مَنَاطِرَ جَمِيلَةً^۲. (ص ۲۲)

می‌توان خبری که سلیم با نگرانی در مورد حضور سامی در جنگل می‌دهد (همان: ۵۵)، خبر اتمام اثر آمپول در بدن سامی (همان: ۷۱)، خبر رفتن روان‌پزشک به لبنان (همان: ۷۹) و برخی موارد دیگر از این قبیل هستند.

۱. بعد از این ۴۵ روز برای مرخصی داشتم ... تصمیم گرفتم

مرخصی خود را در وسطای آفریقا بگذرانم.

۲. در کنار رود منظره‌های زیبایی را خواهی دید.

ج) درخواست: گاهی شخصیت‌ها درخواست-
هایی را از هم دیگر دارند که به وسیله آن خبر از
رخداد‌های آینده می‌دهند. در این راستا می‌توان
به درخواست سامی برای رفتن روان‌پزشک برای
ناهار به خانه آنها اشاره کرد:
وَلَكِنَّكَ مَدْعُوٌّ عِنْدَنَا عَلَى الْغَدَاءِ، أَخِي سَلِيمُ
يُرِيدُ أَنْ يَرَاكَ... (۳۳).^۱

درخواست سلیم از روان‌پزشک برای رفتن
به کولابا (همان: ۹۵)، درخواست روان‌پزشک از
سلیم برای رفتن پیش او در ساعت ۸ و در
صورت بروز رعد و برق (همان: ۱۴۶) و
درخواست‌هایی دیگر از این قبیل هستند.

د) قرار گذاشتن: شخصیت‌ها گاهی
قراری را برای دیدار ملاقات و یا امور دیگری
از این قبیل می‌گذارند که به وسیله آن به آینده
سفر می‌کنند. در این راستا می‌توان به قراری که
سلیم و روان‌پزشک برای صحبت کردن در رابطه
با بیماری سامیه می‌گذارند، اشاره کرد:

سَتَكَلِّمُ فِيمَا بَعْدُ (۵۲) إِنِّصِلْ بِي فِي الْفُنْدُقِ
نُحَدِّدُ مَوْعِدًا...^۲ (۵۳).

قرار سامی و روان‌پزشک برای رفتن به کنار
رودخانه (همان: ۲۱)، قرار سامی و روان‌پزشک
برای دیدار با هم در عصر (همان: ۵۴)، می‌توان
قرار سامیه و روان‌پزشک برای رفتن به لبنان
(همان: ۸۳) و برخی قرارهای دیگر، از این نوع
است.

ه) سؤالات: گاهی نویسنده سؤالاتی را در
ذهن شخصیت‌ها به وجود می‌آورد که خواننده را
مشتاق بر رخ دادن آن می‌کند. مثلاً سؤالی که
سلیم از شفا یافتن سامی می‌کند: هل ستطلع
سامی علی کل شیء... (۱۸۰).

و) امید به آینده: آنگاه که روان‌پزشک به کاباکا
امید می‌دهد که سامی و بیندا بازخواهد گشت:
إِبْتِكْ سَتَعُودُ إِلَيْكَ... وَ سَامِي^۳ (همان: ۲۴۰).
امید به بهبودی سامی که از زبان روان‌پزشک
نقل می‌شود (همان: ۱۷۶)، از این دسته هستند.

جدول ۵. آینده‌نگری درونی روایت‌گرایز

نوع	صفحات	تعداد	حجم	حجم
تصمیم	۲۱۹، ۹۷، ۳۳، ۱۵	۴ بار	۱۷ سطر	۰/۳۱
خبر دادن	۲۳۳، ۱۰۷، ۷۸، ۷۱، ۵۵، ۲۲	۶ بار	۲ صفحه و ۵ سطر	۰/۸۷
درخواست	۱۹۵، ۱۸۲، ۱۷۸، ۱۴۶، ۹۵، ۳۳	۶ بار	۱ صفحه و ۱۴ سطر	۰/۶۵
قرار گذاشتن	۱۹۲، ۱۴۳، ۱۱۷، ۸۸، ۸۳، ۵۴، ۵۳، ۵۲، ۲۱، ۲۵۶، ۲۳۷، ۲۴۲، ۲۰۹	۱۳ بار	۳ صفحه	۱/۱۷
سؤال پرسیدن	۱۸۰	۱ بار	۱ سطر	۰/۰۱۸
امید به آینده	۲۱۹، ۲۴۰، ۱۷۶	۳ بار	۱۲ سطر	۰/۲۲

۲. ترجمه: بعداً با هم حرف می‌زنیم. در هتل با من تماس بگیر

تا قراری بگذاریم.

۳. دختر تو همراه سلیم باز خواهد گشت.

۱. ترجمه: ولی تو برای ناهار پیش ما دعوت شده‌ای. برادرم

سلیم می‌خواهد تو را ببیند.

به وقوع نپیوسته است، با آوردن شاهد مثال‌هایی از داخل متن می‌پردازیم.

خبر رساندن: خبر رفتن روان‌پزشک برای سفر به لبنان (عبدالقدوس: ۸۵)، خبر از رفتن خود به لبنان که البته چهار روز دیگر به مرخصی خود افزوده است (همان: ۱۲۲) و برخی خبرهای دیگر از این نوع هستند.

درخواست: درخواست روان‌پزشک از سلیم برای برخورد درست با سامیه به هنگام به هوش آمدن (همان: ۱۹۳).

امید به آینده: امید به آمدن سامی به هتل برای دیدار با روان‌پزشک (همان: ۷۵) امید به شفای سامی و بازگشت او به روستا: *إِطْمَئِنَّ سَامِي سَيَعُودُ!* (۲۴۴)

با توجه به این جدول می‌توان به این نتیجه رسید که نویسنده در ۳۳ نقطه از رمان به آینده و درون متن ارجاع داده است. آینده‌نگری درونی روایت‌گزیز شامل ۸ صفحه و ۷ سطر بوده و ۳/۲۴ درصد از کل رمان را شامل می‌شود.

۲-۱-۲. آینده‌نگری درونی روایت‌آمیز

گاهی نیز نویسنده با بر گزیدن روش‌هایی مناسب، به داخل متن و به زمان آینده ارجاع می‌دهد و اطلاعاتی را در اختیار خواننده می‌گذارد. در این بخش از مقاله به بررسی این نوع زمان‌پرشی در رابطه با دادن اطلاعاتی از رخدادهایی که قبلاً نیز به آن اشاره شده، اما هنوز

جدول ۶. آینده‌نگری درونی روایت‌آمیز

نوع	صفحات	تعداد	حجم	حجم
خبر دادن	۸۵، ۱۲۲، ۱۷۵، ۱۹۴، ۲۱۶، ۲۳۶	۶ بار	۱ صفحه و ۹ سطر	۰/۵۶
درخواست	۱۹۳	۱ بار	۷ سطر	۰/۱۳
امید به آینده	۷۵، ۲۴۴	۲ بار	۴ سطر	۰/۰۷

۲-۲. آینده‌نگری بیرونی

آینده‌نگری بیرونی از بازتاب کمتری نسبت به دیگر زمان‌پرشی‌ها برخوردار بوده و تنها به یک شکل روایت‌گزیز به کار رفته است. نویسنده تنها در دو نقطه از رمان به بیرون از نقطه پایانی متن ارجاع داده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

باتوجه به این جدول شماره ۶ می‌توان گفت که نویسنده در ۹ نقطه از متن به آینده و درون متن ارجاع داده است و اطلاعاتی را بر رخدادهایی که به آن اشاره شده، با روش خاصی افزوده است. آینده‌نگری درونی روایت‌آمیز شامل ۱ صفحه و ۶ سطر است که ۰/۷۶ از کل رمان را شامل می‌شود.

۲-۱. آینده‌نگر بیرونی روایت‌گریز

گاهی نویسنده در مسیر رمان، به بیرون از زمان متن ارجاع داده و به آینده سفر می‌کند. آینده-نگری بیرونی روایت‌گریز در این رمان تنها در دو نکته وجود دارد. یکی آن زمان است که سامی بعد از رفتن خود به بیروت، خبر از ترک آنجا بعد از دو روز اقامت می‌دهد (عبدالقدوس: ۲۶۵) و نیز دیگری بر بازگشت خود به پیش بیندا و خروج فرانسوی‌ها از وطن خود و خبر از پیروزی‌شان را می‌دهد (همان: ۲۶۷).

را برای آنها در داخل متن در نظر می‌گیرد. مقوله تداوم وظیفه بررسی این ناهماهنگی را بر عهده داشته و آن عبارت است از «تناسب حجم متن اختصاص‌یافته به روایت رخدادها با مقدار زمانی که آن رخدادها را دربرمی‌گیرد» (احمدی، ۱۳۷۵: ۳۱۶). مقوله‌های حذف، چکیده، صحنه و درنگ است که نویسنده این امکان برایش فراهم می‌شود تا این ناهماهنگی را به وجود آورد.

۳-۱. حذف^۲

که عاملی مهم در سرعت زمان رمان ثعوب فی السوق/الاسود است و آن «حالتی است که در آن زمان داستانی هیچ قرینه‌ای در زمان سخن نداشته باشد و این یعنی کنار گذاشتن کامل یک دوره زمانی» (تودوروف، ۱۳۸۲: ۶۰). نویسنده وقایعی را که از اهمیت چندانی در پیشبرد هدف اصلی رمان ندارند، از متن حذف می‌کند تا به بطن اصلی رمان برسد. برای مثال می‌توان به ده ماهی که روان‌پزشک به بیروت برمی‌گردد، هنوز اتفاق خاصی نیفتاده است، اشاره کرد: مَضَتْ عَشْرَةُ شُهُورٍ مِنْ عُودَتِي أَلَى بَيْرُوتٍ...^۳ (عبدالقدوس، ۱۹۹۸: ۱۴).

۳-۲. چکیده یا خلاصه^۴

در این مورد که عاملی دیگر برای سرعت بخشیدن بر زمان این رمان است و در آن «سرعت از راه ایجاد ایجاز متنی افزایش می‌یابد، یک دوره

جدول ۷. آینده‌نگر بیرونی روایت‌گریز

نوع	صفحات	تعداد	حجم	تداوم
خبر دادن	۲۶۶، ۲۶۷	۲ بار	۷ سطر	۰/۱۳

بنابراین آینده‌نگری بیرونی روایت‌گریز در این رمان تنها در دو نقطه رخ داده است و نویسنده با رفتن از نقطه پایانی رمان به بیرون از متن، خبر از چیزی می‌دهد که به آن اصلاً اشاره نشده است. این نوع زمان‌پرشی شامل ۷ سطر از رمان بوده که ۱۳٪ درصد از کل رمان را شامل می‌شود، اما باید اشاره کنیم که آینده‌نگری بیرونی روایت‌آمیز در این رمان به کار نرفته است.

۳. تداوم

دومین مقوله‌ای که ژرار ژنت نظریه خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند، تداوم^۱ است. معمولاً نویسنده با توجه به اهمیت وقایع، حجم متفاوتی

۲. Ellipsis

۳. ترجمه: از آمدن من به بیروت ده ماه گذشت....

۴. Summary

۱. Duration

۴-۳. مکث توصیفی^۳

این حالت هنگامی واقع می‌شود که زمان سخن در زمان داستانی قرینه‌ای نداشته باشد (تودوروف، ۱۳۸۲: ۶۰). به عبارت دیگر، در مکث توصیفی در واقع ما با توصیف و توضیحی در رابطه با رخدادها روبه‌رو هستیم. این عمل باعث کند شدن زمان رمان شده است. این مقوله در رمان *تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ* از بازتاب بالایی برخوردار است. در طول سفر روان‌پزشک به باماکو ابتدا با مکان‌های مختلفی روبه‌رو می‌شود. او برای جان دادن به رمان، این مکان‌ها را با مکث توصیفی روایت می‌کند. از دیگر جاها هم می‌توان به حالات شخصیت‌ها اشاره کرد که نویسنده از زبان روان‌پزشک، به توصیف آنها می‌پردازد.

رمان *تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ* در برگیرنده تقویم زمانی ۶۶۵ روز است که با سفر روان‌پزشک به شهر بوسطن، آغاز و با بازگشت وی به بیروت و نیز مراجعه سامی به او در کلینیک روان‌پزشک خاتمه می‌یابد. نویسنده برخی از وقایع را با حذف و چکیده بیان کرده است که منجر به افزایش سرعت رمان شده است، ولی در بیشتر موارد و با گفت‌وگوهایی که بین شخصیت‌ها رد و بدل می‌شود و نیز با وصف مکان‌ها، رخدادها و حالت‌های افراد، باعث کند شدن زمان متن شده است. جدول زیر نمایانگر تداوم در این رمان است.

داستانی معین در بیان کوتاهی از مشخصه‌های اصلی آن خلاصه می‌شود» (احمدی، ۱۳۷۵: ۳۲۰).

در متن رمان ما شاهد وقایعی هستیم که نویسنده آن را با روایت مختصری آورده است. می‌توان در صفحات آغازین به مسافرت او به بوسطن اشاره کرد که از اهمیت زیادی برخوردار نیست و نویسنده با آوردن خلاصه‌ای از آن به متن سرعت می‌دهد، تا به بطن اصلی برسد: *سَافَرْتُ إِلَى بُوسْطُنَ بِالطَّائِرَةِ وَ اسْتَغْرَقَ الْمُؤْتَمَرُ الطَّبِّيُّ أَسْبُوعَيْنِ...*^۱ (عبد القدوس، ۱۹۹۸: ۹).

۳-۳. صحنه

صحنه^۲ از جمله عواملی است که باعث کند شدن سرعت رمان مذکور شده است. صحنه «یک عمل خاص است که در مکان خاصی روی داده است و خواننده بی‌واسطه، بی دخالت نویسنده و راوی با جهان داستان روبه‌رو می‌شود و با چشمان خود می‌بیند که شخصیت‌ها چه می‌کنند و می‌شنوند و می‌گویند» (ایرانی، ۱۳۶۴: ۸۲). در این رمان ما در بیشتر موارد با صحنه روبه‌رو هستیم. می‌توان به گفت‌وگوهایی که بین شخصیت‌ها رخ می‌دهد و گاهی چندین صفحه را شامل می‌شود، اشاره کرد. مثلاً عنصر گفت‌وگو در چهل روز سفر روان‌پزشک به باماکو و دو روز آمدن سامی به بیروت بیشترین بازتاب را دارد.

۱. من با هوا پیما به شهر بوسطن رفتم و این نشست روان-پزشکی دو هفته به طول انجامید.

جدول ۸. تداوم در رمان ثَقُوبٌ فِي السُّوقِ الْأَسْوَدِ

زمان رویداد	صفحات	رویدادها	تداوم	حجم شتاب	درجه شتاب	شتاب با معیار ثابت بر اساس ۲/۵۶۷
روز اول	۹	رفتن روان‌پزشک به بوسطن	۱۴ روز	۱۳ سطر	۰/۲۴	مثبت
روز ۱۵	۹ - ۱۴	دنبال مکان آرام گشتن	۵ روز	۳ صفحه و شش سطر	۱/۲۷	مثبت
روز ۲۰	۱۵ - ۱۶	رفتن به دکار	۴ روز	۳۵ سطر	۰/۶۵	مثبت
روز ۲۵	۱۶ - ۲۴۵	رفتن به باماکو	۴۰ روز	۲۲۹ صفحه و ۱۷ سطر	۸۹/۶۲	منفی
روز ۶۶	۲۴۶	بازگشت به بیروت	۱۰ ماه	یک سطر	۰/۰۲	مثبت
روز ۳۶۶	۲۴۶ - ۲۵۱	آمدن او به بیروت	۱ ماه	۵ صفحه و ۵ سطر	۲/۰۲۳	مثبت
روز ۳۹۷	۲۵۱	انتظار برای آمدن سامی	۱ ماه	۴ سطر	۰/۰۷	مثبت
روز ۴۲۶	۲۵۱	انتظار باری آمدن سامی	۱ ماه	۱ سطر	۰/۰۱۸	مثبت
روز ۴۵۶	۲۵۱ - ۲۵۲	انتظار برای آمدن سامی	۷ ماه	۱۳ سطر	۰/۲۴	مثبت
روز ۶۶۶	۲۵۲ - ۲۶۷	آمدن سامی به بیروت	۲ روز	۱۵ صفحه و ۱۵ سطر	۶/۰۶۷	منفی

۴. بسامد^۱

است. مثلاً سفر «سامح الداعوق» به آفریقا در این رمان که زمان آن به خارج از زمان متن بر می‌گردد و حدود پنجاه سال پیش نسبت به زمان متن و یک بار رخ داده است و یک بار نقل می‌شود. گاهی نیز وقایعی در داخل زمان متن به وقوع می‌پیوندند و نویسندگان تنها یک بار آن را نقل می‌کند. از جمله می‌توان به مسافرت روان‌پزشک به بوسطن که به طول دو هفته می‌انجامد اشاره کرد که در این رمان تنها یک بار رخ داده و یک بار نقل شده است. برخی وقایع نیز چندین بار رخ داده و به همان مقدار نیز نقل شده‌اند. مثلاً لحظه‌ای که در آن روان‌پزشک کلاهی را که شبیه کلاه ستانی است، بر سرش می‌گذارد: وَ عَلَى رَأْسِي قُبْعَةٌ كَبِيرَةٌ يَبْضَاءُ مِنَ الْفَلَيْنِ، نَفْسُ الْقُبْعَةِ الَّتِي كَانَ يَضَعُهَا عَلَى رَأْسِهِ الرَّحَالَةُ «ستانی»^۳ (عبدالقدوس: ۱۵). این رخداد، شش بار رخ داده و در صفحات ۱۵، ۲۰، ۳۴، ۸۵، ۱۱۹، ۱۲۵، نقل شده است.

بدیهی است که وقایع در زمان داستان، به تعداد معینی رخ می‌دهند. مقوله «بسامد که نمایانگر تعداد دفعات تکرار یک رخداد است، به سه شکل «نقل منفرد»، «نقل مکرر» و «نقل اختصاری» انجام می‌پذیرد» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۳).

۴-۱. بررسی مقوله بسامد در رمان ثَقُوبٌ فِي السُّوقِ الْأَسْوَدِ

۴-۱-۱. «نقل منفرد^۲»: «تعداد دفعات رخداد با تعداد دفعات ذکر آن در داستان یکی است» (همان‌جا). وقایع در این رمان در بیشتر موارد، یکبار رخ داده‌اند و به همان تعداد روایت شده است. نقل منفرد در این رمان، وجه غالب است که جمع‌آوری آن، از حجم این پژوهش خارج است. می‌توان به وقایعی اشاره کرد که در خارج از زمان متن یک بار به وقوع پیوسته است و به همان مقدار نیز بیان شده

۳. بر سرم کلاه بزرگ سفید رنگی از جنس پنبه گذاشته بودم. همان کلاهی که ستانی می‌گذاشت.

۱. Frequency
۲. Singulative

۴-۲. «نقل مکرر»^۱

نقل چندین بار از رخدادی که یک بار اتفاق افتاده است (بهرام مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۳). نقل مکرر از بازتابی درخور توجه در رمان تُقُوبُ فی السُّوقِ الْأَسْوَدِ، برخوردار است. نویسنده در این رمان، ۲۲ رخداد را که تنها یک بار رخ داده است، با نقل مکرر بیان می‌کند. گاهی نیز، یک رخداد را چندین بار به صورت مکرر بیان می‌کند. برخی از این رخدادها، به زمان بیرون و برخی دیگر به زمان داخل متن بر می‌گردد:

۴-۲-۱. مقوله بسامد در بیرون از زمان رمان:

این گذشته‌نگری شامل وقایعی است که در گذشته رخ داده‌اند و از اهمیت درخور توجهی برای پربار کردن رمان و آشنایی بیشتر با سرگذشت افراد دارند. با نقل مکرر این رخدادها، به اهمیت آنها افزوده شده است. در این میان می‌توان به سرگذشت مادر واقعی سامی که در کودکی به جایی که سامی در آن با کودکان سیاه‌پوست بازی می‌کرد، می‌رفته و با دادن هدایایی، برایش افسانه‌های سیاه‌پوستان را تعریف می‌کرده است، اشاره کرد: کَانَتْ هُنَاكَ إِمْرَأَةً ... إِمْرَأَةً زَنْجِيَّةً مُتَوَسِّطَةً الْعَمَرِ رَأَيْتُهَا كَثِيرًا تَأْتِي إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَلْعَبُ فِيهِ سَامِي^۲ (همان: ۱۱۱).

الف) گفت‌وگو: نویسنده با کمک عنصر

گفت‌وگو، به این واقعه اشاره می‌کند که گاهی با گفت‌وگوی دو نفره انجام می‌شود. می‌توان به گفت‌وگوی بین روان‌پزشک و سامی اشاره کرد:

۱. Repetitive

۲. یک زن عجیبی بود. زنی سیاه‌پوست و میانسال. بیشتر وقت‌ها دیدم که به آن مکانی که سامی در آن بازی می‌کرد می‌آمد.

روان‌پزشک: قُلْتُ هَلْ تَذْكُرُ هَذِهِ الْمَرْأَةَ

الزَّانِجِيَّةَ الَّتِي كَانَتْ تَرَوِي لِسَامِي أُسَاطِيرَ الزَّانُوجِ .. ؟^۳ (همان: ۱۱۶).

ب) تک‌گویی: گاهی نیز با تک‌گویی به این

واقعه اشاره می‌کند. مثلاً موقعی که می‌خواهد تا احوالات سلیم را بیان کند، این عبارت بر ذهن او خطور می‌کند: كَأَنَّهُ يُقَارَنُ بَيْنَ شَبْهَهَا وَ بَيْنَ هَذِهِ الْمَرْأَةِ الْأُخْرَى الَّتِي كَانَتْ تَأْتِي إِلَى سَامِي فِي طُفُولَتِهِ وَ تَرَوِي لَهُ أُسَاطِيرَ الزَّانُوجِ^۴ (همان: ۱۳۰).

۴-۲-۲. مقوله بسامد در داخل زمان رمان:

نویسنده در این رمان، برخی از وقایعی را که تنها یک بار رخ می‌دهد، اما اهمیت زیادی در پیشبرد هدف او که دارد با نقل مکرر بیان می‌کند. می‌توان به دیدن بیندا در جنگل و رقصیدن سامی با او اشاره کرد: وَ بَيْنَ الرَّاقِصِينَ سَامِي!!! ... وَ أَمَامَهُ فَتَاةٌ تَرْقِصُ مَعَهُ..^۵ (همان: ۶۳).

این رخداد نیز گاهی با گفت‌وگوی بین شخصیت‌های داستان، بیان می‌شود. مثلاً در گفت‌وگویی که بین روان‌پزشک و سلیم است، به آن اشاره می‌شود: قُلْتُ: هَلْ تَذْكُرُ الْفَتَاةَ الزَّانِجِيَّةَ الَّتِي كَانَتْ تَرْقِصُ مَعَ سَامِي عِنْدَمَا شَاهَدْنَاهُ فِي الْغَابَةِ..^۶

۳. به او گفتم آیا آن زن سیاه‌پوستی را که برای سامی افسانه‌های سیاه‌پوستان را تعریف می‌کرد، به یاد می‌آوری.

۴. گویی او این زن و زنی را که در کودکی سامی به پیش او می‌آمد و برایش افسانه‌های سیاه‌پوستان را می‌گفت، تشابهی می‌دید.

۵. در بین افرادی که می‌رقصیدند، سامی هم بود. پیش او دختری با او می‌رقصید.

۶. گفتم دختر سیاه‌پوستی را که در جنگل و کنار سامی می‌رقصید و او را دیدیم، یادت می‌آید؟

و گاه نیز به صورت تک‌گویی انجام می‌شود. مثلاً گاهی این رخداد بر ذهن روان‌پزشک متبادر می‌شود: نَفْسُ الْقَرْيَةِ الَّتِي زُرْتُهَا بِاللَّيْلِ وَ رَأَيْتُ سَامِيَّ يَرْقُصُ فِيهَا رَقْصَةَ الزُّنُوجِ (همان: ۱۲۵). بدین شکل این رخداد در صفحات ۶۷، ۱۱۶، ۱۲۵، ۱۲۹، ۲۰۰، با نقل مکرر بیان می‌شود. در ادامه اگر بخواهیم وقایعی را که با نقل مکرر بیان شده است را به صورت خلاصه بیاوریم، به صورت زیر خواهد بود:

جدول ۹. بسامد نقل مکرر در رمان ثُغُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ

رخداد	زمان	صفحه رخداد	صفحات نقل مکرر از آن رخداد	تعداد نقل
۱. زیارت لبنان توسط سامیه	بیرون متنی	۴۸	۷۶	۲ بار
۲. ناز کردن سامیه توسط پدرش	بیرون متنی	۹۸	۲۳۲	۲ بار
۳. آمدن مادر واقعی سامی به پیش او	بیرون متنی	۱۱۱	۱۱۶، ۱۳۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۶۰	۱۱ بار
۴. بازی سامی با کودکان سیاه‌پوست	بیرون متنی	۱۱۰	۱۹۶، ۲۰۲	۳ بار
۵. ازدواج بیندا و سامی	بیرون متنی	۱۴۰	۱۳۶، ۱۴۸، ۲۱۲	۴ بار
۶. رفتن بیندا برای دنبال سامی	بیرون متنی	۱۳۳	۱۷۷	۲ بار
۷. مانع شدن ازدواج بیندا و سامی توسط کاباکا	بیرون متنی	۱۳۵	۱۴۱، ۱۶۸	۳ بار
۸. مانع شدن آوازخوانی سامیه توسط سلیم	بیرون متنی	۱۰۳	۱۰۷، ۱۹۳	۳ بار
۹. آوازخوانی سامیه	بیرون متنی	۱۰۰	۱۸۷	۲ بار
۱۰. اعتراض سامی در عکس گرفتن	درون متنی	۲۳	۳۲ (در این صفحه، دوبار تکرار شده است)	۳ بار
۱۱. رفتن او به قهوه خانه فانی	درون متنی	۲۸	۳۲، ۳۷، ۶۳، ۹۰، (دو بار)، ۹۲، ۹۵، ۱۲۹	۹ بار
۱۲. رفتن سامی به هتل	درون متنی	۱۷	۳۰	۲ بار
۱۳. حالت سامی (حرف زدن و نگرستن)	درون متنی	۱۸	۳۰	۲ بار
۱۴. خراش روی صورت سامی	درون متنی	۳۲	۳۴، ۹۵	۳ بار
۱۵. اعتراض سامی به رفتن بر قبیله	درون متنی	۲۱	۳۴	۲ بار
۱۶. گریستن سامیه با شنیدن صدای ام کلثم	درون متنی	۵۱	۷۶، ۸۴، ۱۰۶، ۲۳۳	۵ بار
۱۷. حالت سامیه (خم کردن سر و ...)	درون متنی	۵۸	۵۶	۲ بار
۱۸. حالت سلیم	درون متنی	۵۷		۲ بار
۱۹. حضور سامی در کنار رود نیجر	درون متنی	۳۶	۶۳، ۹۰ (دو بار)، ۱۲۹	۵ بار
۲۰. رقص بیندا با سامی	درون متنی	۶۳	۶۳، ۹۰، ۱۱۶، ۱۲۹	۵ بار
۲۱. زدن بر پشت روانپزشک	درون متنی	۶۹	۹۱	۲ بار
۲۲. فرار کردن سامی از نزد دکتر	درون متنی	۳۷	۹۱	۲ بار

۴-۳. نقل اختصاری^۱

فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ، رایج است و نویسنده با نقل ۲۲ رخداد به صورت مکرر و نیز چندین باره از آنها، باعث کند شدن زمان رمان شده است.

«نقل یکبار از رخدادی که چندین بار اتفاق افتاده است» (مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۳). در رمان تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ، تنها در یک جا ما شاهد این ماجرا هستیم که مربوط می‌شود به پناه بردن سامی به روستا که در صفحه ۷۰ از رمان، نقل می‌شود.

روان‌پزشک: هَلْ تَحْدِثُ لَه هَذِهِ الْحَالَةُ كَثِيرًا...؟
سلیم: كَثِيرًا يَا دَكْتُورٌ... مَرَّتَيْنِ فِی الشَّهْرِ... وَ أَحْيَانًا ثَلَاثًا...^۲.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به پژوهشی که انجام شد، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

الف) نظم: با توجه به محاسباتی که در بخش بررسی رمان تُقُوبُ فِی السُّوقِ الْأَسْوَدِ، با در نظر گرفتن مقوله نظم به دست آمد، می‌توان جدول زیر را نتیجه این قسمت از پژوهش نامید.

بنابراین کارکرد انواع بسامد در رمان تُقُوبُ

جدول ۱۰. بسامد نظم در رمان ثقبوب فی السوق الاسود

زمان‌پرشی	دفعات ارجاع	تعداد صفحه	حجم از رمان
گذشته نگر بیرونی روایت گریز	۱۴ نقطه از رمان	۲۴ صفحه و ۱۳ سطر	۱۰/۰۸
گذشته نگر بیرونی روایت آمیز	۶ نقطه از رمان	۲ صفحه	۰/۷۷
گذشته نگر درونی روایت گریز	۹ نقطه از رمان	۷ صفحه و ۱۵ سطر	۲/۹۹
گذشته نگر درونی روایت آمیز	۱۲ نقطه از رمان	۴ صفحه و ۱۳ سطر	۲/۰۱
آینده نگری درونی روایت گریز	۳۳ نقطه از رمان	۸ صفحه و ۷ سطر	۳/۲۴
آینده نگری درونی روایت آمیز	۹ نقطه از رمان	۱ صفحه و ۶ سطر	۰/۷۶
آینده نگری بیرونی روایت گریز	۲ نقطه از رمان	۷ سطر	۰/۱۳
آینده نگری بیرونی روایت آمیز	_____	_____	_____

۱. Iterative

۲. آیا این اتفاق خیلی برای او پیش می‌آید؟ خیلی زیاد... دوبار در ماه و گاهی هم سه بار... .

منابع

- بنابراین رمان در ۸۵ نقطه با زمان‌پرشی که حجم آن با توجه به جدول زیر ۴۸ صفحه و ۱۹ سطر که معادل ۱۹/۹۸ درصد از کل رمان است، با زمان‌پرشی نقل می‌شود. نویسنده در ۴۱ نقطه به گذشته ارجاع داده است و شامل ۱۵/۸۵ درصد از کل رمان است. او در ۴۴ نقطه به آینده ارجاع می‌دهد که شامل ۴/۱۳ درصد از رمان است. بنابراین، تنها ۸۰/۰۲ درصد از رمان با زمان گاه‌شمارانه و ۱۹/۹۸ درصد هم با زمان‌پرشی روایت می‌شود.
- ب) **تداوم:** نویسنده در آغاز رمان، با به کار بستن مقوله حذف به رمان سرعت می‌دهد تا به بطن اصلی رمان برسد. نویسنده در بطن اصلی رمان، با استفاده از عنصر گفت‌وگو به معرفی بیشتر شخصیت‌ها و رخدادها می‌پردازد و اطلاعاتی را از سرگذشت شخصیت‌ها ارائه می‌کند. به همین دلیل حجم یکسانی بر رخدادها اختصاص نیافته است. با توجه به اینکه این رمان ۲۵۹ صفحه و زمان داستان هم ۶۶۵ روز است، با محاسباتی که انجام شد، ۲/۵۶۷ شتاب معیار ما در نظر گرفته شد. با ارزیابی این عدد و با توجه به زمان متن، به شتاب میانگین ۱۶/۱۷ رسیدیم که نشانگر کند بودن زمان متن است.
- ج) **بسامد:** کارکرد انواع بسامد در این رمان دیده می‌شود. رخدادها در این رمان بیشتر یک بار رخ می‌دهند و به همان مقدار هم در متن نقل می‌شوند. نقل مختصر تنها در دو جا به چشم می‌خورد و از بازتاب کمتری برخوردار است. نقل مکرر از بازتاب درخور توجهی در رمان *تُقُوبُ فی السُّوقِ* / *الأسود* برخوردار است. نویسنده در این رمان ۲۴ رخداد را با نقل مکرر بیان می‌کند.
- احمدی، بابک (۱۳۷۵). *ساختار و تاویل متن؛ «نشانه‌شناسی و ساختارگرایی»*. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- ایرانی، ناصر (۱۳۶۴). *داستان، تعاریف، ابزارها و عناصر*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲). *بوطیقای ساختارگرا*. مترجم نبوی. تهران: آگاه.
- ریمون کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی، بوطیقای معاصر*. ترجمه ابوالفضل حری. تهران: نیلوفر.
- ژرار ژنت (۱۳۸۸). *نظم در روایت*. گزیده مقالات روایت. مارتین مک کوئیلان. ترجمه فتاح محمدی. تهران: مینودی خرد. صص ۱۴۲-۱۵۰.
- عبدالقدوس، احسان (۱۹۹۸م). *تقوب فی السوق / الاسود*. مصر: مکتبة الاسره.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۷). «زمان و روایت». *فصلنامه نقد ادبی*، شماره ۲، اهواز، صص ۱۲۴-۱۴۴.
- مفتخرزاده، سیدعلی (۱۳۸۸). *بازتاب شخصیت زن در داستان‌های احسان عبدالقدوس (أنا حرّة، این عمری)*. دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی «از افلاطون تا عصر حاضر»*. تهران: فکر روز.
- یاکوب، لوته (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*. مترجم امید نیک‌فرجام. چاپ اول. تهران: انتشارات مینوی خرد.